



بررسی تطبیقی اشعار مولانا و والت ویتمن

از دیدگاه عرفانی

سیدشهاب‌الدین ساداتی*

خدا چگونه با مخلوقاتش در ارتباط است؟ انسان چگونه می‌تواند به وجود خدا پی ببرد؟ انسان چیست؟ انسان از کجا آمده است و به کجا می‌رود؟ این سؤالات تا ابد جزء بزرگ‌ترین مسائل بشر باقی می‌مانند. به عبارت دیگر، میلی کلی وجود دارد که حتی بزرگ‌ترین متفکرین و نخبگان شرق و غرب درباره حقیقت خدا و مخلوقاتش به سخن آمده‌اند.

به وضوح روشن است که در این میان نقش ادبیات به عنوان یک واسطه مهم را نمی‌توان نادیده گرفت. موضوع ادبیات محدود به دوره زمانی و فضای خاصی نیست، موضوعی است جهانی که به همه ملل جهان برمی‌گردد. امروزه به دلیل پیشرفت‌های ارتباطی، شرق و غرب به یکدیگر بسیار نزدیک شده‌اند و دیگر جایی برای خرافات و جهالت نمانده است.^۱ محقق انتظار دارد که مطالعه تطبیقی ادبی این مقاله باعث افزایش درک مشترکات شرق و غرب شود. محقق تلاش کرده است که به موارد مشابه در تصوف مولوی و تعالی‌گرایی والت ویتمن بپردازد. در این مقاله به طور عمده به «برگ‌های چمن» اثر والت ویتمن و «مثنوی معنوی» اثر مولوی پرداخته شده است و سؤالات زیر دنبال شده‌اند:

- نقاط مشترک تصوف مولوی و تعالی‌گرایی ویتمن کدامند (با در نظر گرفتن توحید و مفهوم وحدت)؟
- نگاه آنها به طبیعت چگونه بوده است؟
- شرق چگونه هم بر ویتمن و هم بر مولوی اثرگذار بوده است؟

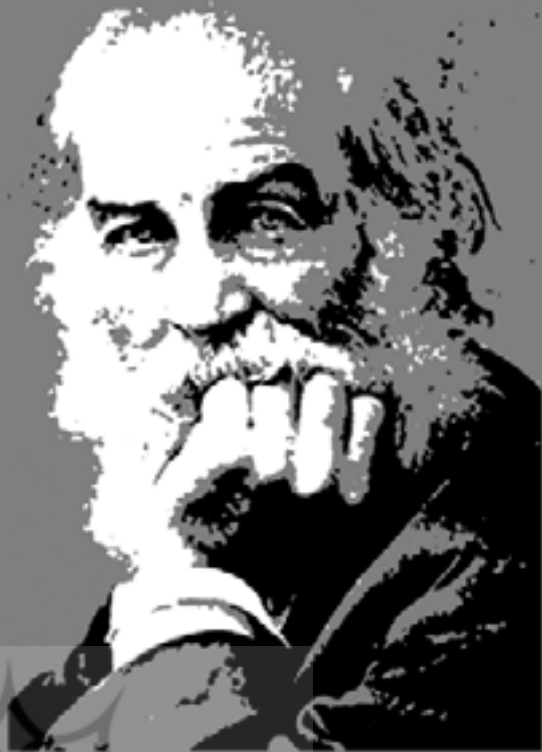
این مقاله مطالعه‌ای تطبیقی و مقایسه‌ای از اشعار والت ویتمن و جلال‌الدین محمد رومی (مولانا) است که به بررسی رابطه عرفان در آنها می‌پردازد. این مقاله تلاشی است برای آشکار ساختن عقاید عرفانی در آثار والت ویتمن و جلال‌الدین رومی. محقق بر «برگ‌های چمن» از ویتمن و «مثنوی» از مولانا متمرکز شده است.

این مقاله شامل سه فصل می‌باشد. فصل اول مقدمه‌ای است که در آن آثار هر دو شاعر، یعنی مولانا و والت ویتمن معرفی می‌شود. تعریف واژه‌های کلیدی در این فصل می‌باشد. در فصل دوم مقایسه‌ای کوتاه بین عرفان و تعالی‌گرایی وجود دارد. نگاهی کوتاه به کارهای انجام شده بر روی آثار این دو شاعر نیز در این فصل گنجانده شده است. در فصل سوم نگاه عرفانی هر دو شاعر نسبت به انسان و تصویر الهی و نیز همچنین مفهوم وحدت‌الوجود در آثار آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل اول: مقدمات

۱- اهمیت و ارزش موضوع مقاله

بعد از جنگ جهانی اول و دوم که منجر به ویرانی جهان بشریت شد، حس برای فهم و مطالعه مردم و تمدن‌های جهانی آنها صورت پیدا کرد، به ویژه مطالعه ابعاد معنوی آنها؛ انسان، به ویژه انسان مدرن احتیاج مسلمی به دیدگاه جدید به جهان و ابعاد مهم آن به خصوص دین و اخلاقیات پیدا کرد. آیا خدا وجود دارد؟ طبیعت او چگونه است؟



بر طبق گفته بسیاری
اثبات این مسئله که ویتمن تحت تأثیر
مولوی است هنوز امری اثبات شده نیست
ولی این که او با اشعار فارسی و عرفانی
آشنا بوده، امری روشن و
به اثبات رسیده است

اشتیاق فراوان به مطالعه کتاب مقدس و آثار شکسپیر پرداخت و تا
آخر عمرش در نیوجرسی باقی ماند.

برگ‌های چمن (Leaves of Grass)

برگ‌های چمن مجموعه اشعار والت ویتمن است که اولین چاپ
آن با هزینه خودش در سال ۱۸۵۵ ظاهر شد. در این چاپ کتاب
شامل ۱۲ شعر بدون عنوان بود که مثل جملات کتاب مقدس (نسخه
شاه جیمز) در قالب شعر سپید (free-verse) سروده شده بودند.
بلندترین و بهترین شعر او بعدها «ترانه خودم» (song of myself)
نام گرفت که هدف آن پرورش دموکراسی در سراسر آمریکاست. در
سال ۱۸۶۰، یعنی در ویرایش سوم کتاب، ویتمن سعی کرد ساختار
کتاب را بیشتر به شکل تمثیلی درآورد. در طی سال‌های جنگ داخلی
آمریکا، اشعار خودش در مورد جنگ را به «برگ‌های چمن» افزود
که در آنها امید صلح بین شمال و جنوب وجود دارد. در سال ۱۸۶۶
مرثیه‌ای در مدح مرگ رئیس‌جمهور وقت، آبراهام لینکلن نوشت. در
سال‌های پس از جنگ پا فراتر از ملی‌گرایی گذاشت و عقاید بین‌المللی
خود را با اشعار «به فرانسه»، «به برزیل» و «گذری به هندوستان»
گسترش داد. تمامی این اشعار را به «برگ‌های چمن» اضافه کرد و در
طول عمر خویش آن را بیش از هفت بار ویرایش کرد که این مجموعه
اشعار به گونه‌ای زندگی‌نامه خودش است.^۲

ب - مولانا جلال‌الدین محمد رومی (۱۲۰۷ -

۱۲۷۳) و مثنوی معنوی

مولوی در بلخ به دنیا آمد. او مشهورترین شاعر عارف ادب
فارسی است و اثر معروف و گرانمایه او «مثنوی معنوی» است که

- رابطه وحدت‌الوجود مولوی به عنوان یک صوفی و تعالی‌گرایی
در فلسفه ویتمن چیست؟

- چگونه ویتمن و مولوی از تخیل و سمبل‌ها استفاده می‌کنند و
اهمیت این کار در آثارشان چرا اهمیت دارد؟
- آیا مولوی بر روی ویتمن تأثیرگذار بوده است؟
از آنجایی که تعالی‌گرایی و صوفی‌گری هر دو بر این باور هستند
که خداگونگی در همه اشیا نفوذ کرده است و هدف از زندگی انسان
وحدت با خداست، محقق بر روی این ویژگی تمرکز کرده است.

۲- شاعران و آثارشان

الف - والت ویتمن و برگ‌های چمن

الف - والت ویتمن (۱۸۹۲ - ۱۸۱۹) شاعری آمریکایی است که
اشعارش به وضوح بیان‌کننده اهمیت و ارزش فرد و در عین حال
وحدت کل بشریت در آمریکاست. ویتمن تحولی در سنت شعری و
سبک شعر در آمریکا ایجاد کرد و تأثیر ویژه‌ای بر تفکر ادبی آمریکا
داشت. هنگامی که چهار ساله بود، با خانواده‌اش به بروکلین نقل مکان
کردند و در آنجا به مدرسه عمومی رفت. بعد از آن به نیویورک رفت
و در یک انتشارات مشغول به کار شد. ویتمن برای نشریات معتبر
آن روز، اشعار و داستان‌های کوتاه می‌نوشت و نیز به سخنرانی‌های
سیاسی می‌پرداخت، در طی سال‌های جنگ داخلی آمریکا (۱۸۶۵ -
۱۸۶۱) به عنوان یک پرستار مرد برای مراقبت از سربازهای زخمی در
بیمارستانی در واشینگتن داوطلب شد و تا سال ۱۸۷۳ آنجا ماند. سپس
نزد برادرش در نیوجرسی رفت و به ویرایش کردن مجموعه اشعارش
«برگ‌های چمن» (Leaves of Grass) پرداخت. او همچنین با



شعرای عرفانی همانند ویتمن و مولوی،
گاهی اوقات مدعی این هستند که طبیعت،
انسان و همچنین کل جهان
تصاویری از خدا و یا نشانه‌هایی از
وحدت الهی خداوند هستند،
آنها انسان و طبیعت را به عنوان
تصاویری متفاوت از
وحدتی خداگونه می‌بینند

سیزدهم میلادی است که تجربه عشق خدایی را نشان می‌دهد.^۵ مثنوی معنوی علاوه بر تجربه عرفانی مولوی نشانگر فلسفه او در زندگی نیز هست. همانند ویتمن، مولوی هیچ‌گاه مثنوی خودش را وسیله‌ای برای هنر و شعر نمی‌داند. طبق گفته مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب، مولوی هیچ‌گاه مثنوی را یک کتاب شعر نمی‌بیند، بلکه آن را مجموعه‌ای از الهامات الهی می‌داند.^۶ مولوی نیز همانند ویتمن اشعارش را تا هنگام مرگ ویرایش کرد. علاوه بر اشعارش، دوستان او مجموعه سخنانی‌هایش را در کتابی به نام فیه‌ما فیه جمع‌آوری کردند.

۳- تعاریف واژگان

روح (soul): هم خانواده‌ای برای روان و یا خود است که بر اساس نظریه اولیه‌ای از افلاطون، پس از مرگ از جسم جدا هست و تا ابد جاویدان است و هرگز نمی‌میرد. در اسلام به دو گونه نفس که در یونانی معادل psyche و دومی به همان معنی روح که معادل یونانی nous است. به اعتقاد قرآن معنی دوم روح است که به او ارزشی فراتر از دیگر مخلوقات می‌دهد. در مکتب تصوف روح مرکز وجود در تمام بشریت است. در مسیحیت روح به پدر مسیحی برمی‌گردد و بر اساس اعتقادات نشأت گرفته از افلاطون روح از بدن جداست و قبل از جسم نیز به طور جداگانه زیست می‌کند.

عرفان (Mysticism):

مکتبی است که اعتقاد دارد هر کس می‌تواند به حقیقت نهایی دست پیدا کند که این حقیقت با عقل و حواس پنج‌گانه قابل دسترسی

در حدود بیست و شش هزار بیت سروده شده است و بر شعرای بعد از خود اثرات فراوان داشته است. برخلاف ویتمن پدرش بهاء‌الدین معلم روحانی و عارف بود. آنها به خاطر حمله مغول‌ها در سال ۱۲۱۸ میلادی مجبور به ترک شهرشان شدند و بر اساس داستانی، در راه، شیخ فریدالدین عطار را ملاقات کردند که بنابر روایتی در حق مولوی در کودکی دعا کرد. در سال ۱۲۲۸ بعد از مسافرت به مکه به قونیه در ترکیه رسیدند و در آنجا ساکن شدند. پدرش در آنجا به تدریس پرداخت تا سرانجام در سال ۱۲۳۱ در آنجا دار فانی را وداع گفت. در طی سفری که به سوریه داشت با ابن‌العربی ملاقات کرد و بر اساس نظر بیشتر محققین غربی از جمله نیکلسون و شیمل او پیرو مکتب «وحدت‌الوجود» ابن‌العربی است.^۳ در سال ۱۲۴۴ مهم‌ترین اتفاق در زندگی مولانا رخ داد، یعنی ملاقات با شمس‌الدین تبریزی که درویشی دوره‌گرد بود.^۴ شخصیت شمس باعث شد که با زیبایی و عظمت الهی آشنا شود. به خاطر حسادت اطرافیان مولوی از جمله شاگردانش یک شب در ۱۲۴۷ شمس برای همیشه ناپدید شد. نظریه‌ای هست که او بدون اطلاع مولوی و پسرش کشته شده است. تجربه عشق و جدایی با شمس سبب پیدایش ذوق شعری در مولوی شد. بیشتر اشعار او نیز در هنگام مستی خدایی و از خود بی‌خود شدن سروده شده‌اند (مثل اکثر غزلیات دیوان شمس) و در اکثر موارد هنگام سرودن اشعارش به رقص سماع می‌پرداخت. بعد از آن صلاح‌الدین زرکوب و حسام‌الدین چلبی از نزدیکان او شدند و تحت تأثیر رابطه با آنها به سرودن مثنوی پرداخت.

مثنوی معنوی نشانگر تمامی جنبه‌های صوفی‌گری در قرن



نیست. آشکال الهی آن در اسلام، یهودیت و مسیحیت است و شکل غیر الهی آن در بودیسم و هندویسم است. در منظر دینی - ایده‌یستی آن در جهان، تلاشی مستقیمی برای رابطه با خداست. عرفان را به عمدتاً بر عبادت، مدیتیشن (تمرکز)، تأمل و ریاضت استوار است. به طور کلی عرفان جایگاه خود را به همراه دین و عبادت پیدا کرده است و هسته این اصطلاح نیز ارتباط بین انسان و خداست.

تعالی‌گرایی (Transcendentalism):

ایده‌ای فلسفی که اعتقاد دارد خدا در همه جا به ویژه در درون انسان و طبیعت وجود دارد، به عبارت دیگر خدا حقیقتی است که در همه‌جا حاضر است. ویژگی‌های اصلی تعالی‌گرایی به قرار زیر است: این اعتقادات بسیار شبیه به عرفان و تصوف در اسلام است:

۱. اعتقاد مذهبی و نیمه مذهبی به طبیعت و خلقت موجودات.
۲. وجود ارتباط مستقیم بین جهان و هر روح مستقل در عالم هستی.

۳. اعتقاد به این که خدا در همه اشیاء جهان نفوذ کرده است.
۴. هدف نهایی از خلق انسان پیوستگی او با قدرت برتر و یا روح اعظم است.
۵. شهود از دلیل و منطق والاتر است و مهم‌ترین ویژگی انسان نیز همین شهود است.

تعالی‌گرایی حرکتی بود که در طول دهه ۱۸۳۰ در ایالت نیوانگلند در آمریکا شکل گرفت و ترکیبی از عرفان، تصوف، هندویسم،

بودیسم و مذهب پیوریتنی (Puritan) است که سبب تأثیرگذاری بر آثار ادیبان قرن ۱۹ آمریکا شد.

وحدت‌الوجود و توحید:

این اصطلاح همان‌گونه که نشان می‌دهد از دو کلمه وحدت و وجود به وجود آمده است و اصطلاحی در تصوف است که از افکار فیلسوف مذهبی معروف، ابن‌عربی نشأت گرفته است. در تفکر اسلامی تنها یک خدا وجود دارد و همه چیز خلقت از او سرچشمه می‌گیرد که تنها حقیقت مطلق است. وحدت‌الوجود اصطلاح تصوف است که به جای توحید به کار برده می‌شود.

فصل دوم: عرفان در آثار ویتمن و مولانا

۱- تعالی‌گرایی و عرفان

بر طبق اظهارات چارلز ایلس، تعالی‌گرایی بر این اعتقاد است که افکار و عقاید بشر نه از راه حواس پنج‌گانه و یا قدرت تعقل، بلکه از راه ارتباط مستقیم با خدا و یا زندگی در جهان معنوی، به وجود می‌آید.^۲ در پاسخ به دورافتادگی انسان که در نتیجه تنها زندگی کرد حاصل می‌شود، هر شخص باید خودش را با دنیا یکی بداند. هیچ منطقی نیاز نیست که ثابت کند وجود انسان وابسته به این دنیای مادی نیست.

تعالی‌گرایی حرکتی فلسفی - مذهبی بود که توسط تعدادی از روشنفکران آمریکایی در دهه‌های اول قرن ۱۹ در نیوانگلند آمریکا به وجود آمد. امرسون، تورو، و تی پارکر از مشهورترین تعالی‌گرایان هستند. تعالی‌گرایان تحت تأثیر رمانتیک‌های اروپا بودند و به ستایش

شاعران صوفی بی‌شمارند، اما استاد و سرور همه آنها که شهرتی جهانی دارد، مولانا جلال‌الدین رومی است، بزرگ‌ترین شاعر عارف در کل مشرق زمین. او سروش زاهدان، بلبل آوازه‌خوان متفکران و نگارندهٔ مثنوی است

عرفا به این اعتقاد دارند که زبان از بیان تجربه‌های عرفانی عاجز است بنابراین تشبیه و استعاره در کارهای آنها به وفور یافت می‌شود. با این وجود عناصر بی‌شماری وجود دارد که نشان می‌دهد اصطلاحات عرفانی تماماً شبیه به هم هستند. همانند دیگر شاخه‌های عرفان، تصوف بر این اعتقاد است که خدا درون انسان هست و خدا و انسان و جهان یکی هستند.

به روشنی واضح است که تعالی‌گرایی و عرفان، هر دو حرکتی انقلابی علیه عناصر محض مذهبی و ارتدوکسی هستند. بنابراین آنها بر اهمیت فرد و روان تأکید فراوانی دارند و رابطهٔ مستقیم خدا و انسان دارای بیشترین اهمیت است و نتیجهٔ حرکت آنها دانش واحد الهی است و اعتقاد آنها بر این است که عشق میان‌بری است برای رسیدن به این هدف واحد، این مرحله در تصوف به عنوان فنا و وصال مطرح است. بدین ترتیب عارف با طی مراحل عرفان بدل به سالک می‌شود. موارد زیر از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های عرفان و تصوف در اشعار شعرای فارسی است:

- **توحید:** مفهوم یگانگی مطلق

- **عقل کل یا جان کل:** به مفهوم روح و ذهن جهانی

- **توکل:** اعتماد و توکل به خداوند

- **محبت:** عشقی که در نتیجهٔ عشق خدا به انسان به وجود آمده

- **اصالت:** مفهوم اصل مستقل بودن

- **مراقبت:** آگاهی دائم از وجود خداوند

- **صورت و معنا:** سمبولیسم و ایده‌آلیسم

در عرفان مفهوم گم شدن و از بین رفتن به مفهوم رسیدن به همه چیز است. برای مثال به ابیات زیر از مولوی می‌توان اشاره کرد:

بار دیگر از ملک قربان شوم

آنچه اندر وهم ناید آن شوم

پس عدم کردم چون ارغنون

گویدم که انا الیه راجعون (دفتر سوم، ۳۹۰۱)

همچنین عقیدهٔ هیچ شدن و گم شدن در حق را در اشعار وایتمن نیز می‌توان دید:

Did you think Life was so well provided for, and Death, the purport of all Life, is not well provided for?

فردگرایی، زیبایی‌های انسان و طبیعت پرداختند. تعالی‌گرایان عقاید نیمه‌مذهبی خود را نسبت به طبیعت و فرآیند خلقت اظهار داشتند و رابطه‌ای مستقیم بین روان و کل هستی قائل بودند.

واژهٔ تعالی‌گرایی برای نخستین‌بار توسط فیلسوف مشهور ایمانوئل کانت معرفی شد که او تأثیری شگرف بر فیلسوفان آلمانی پس از خودش نظیر فیش، شلینگ و ادموند هوسرل داشت. علاوه‌بر فیش، شلینگ، گوته و رمانتیک‌های انگلیسی، تعالی‌گرایان تحت‌تأثیر عقاید افلاطون، بودا، مسیحیت و اسلام نیز قرار داشتند.

برای تعالی‌گرایان هدف اصلی و نهایی کشف خدا از طریق پاسخ فلسفی به طبیعت است. بر طبق نظریهٔ ای. چانینگ (۱۸۴۲ تا ۱۷۸۰)، خدا اسمی دیگر برای نبوغ بشر است که مافوق همهٔ خطاها و کاستی‌هاست. او می‌گوید: خدا در تمام حقایق گسترده شده است... ما خدا را اطراف خودمان می‌بینیم زیرا که خدا در درون ما ساکن است.^۸ تعالی‌گرایان بر فردگرایی اصرار می‌ورزیدند و تحت‌تأثیر فیلسوفان آلمانی نظیر کانت، هگل و شلینگ، شهود را بر منطق و آزادی را بر شهود ترجیح می‌دادند. رهبر این مکتب امرسون بود. آنها همانند رمانتیک‌ها بر این عقیده هستند که هر چیز زنده‌ای مقدس است. برای تعالی‌گرایان وجود بدن انسان و احساساتش و روح انسان و عواطف آن، هر دو باید به یک مرجع یعنی خدا بازگردد.^۹

عرفان نیز همانند تعالی‌گرایی بر این اعتقاد است که دانش و حقیقت از راه عقل و حواس به دست نمی‌آید. عرفان به طور کلی به مکتبی سنتی و مذهبی برمی‌گردد. بر اساس تعریف فرهنگ لغت فلسفهٔ کمبریج عرفان به دو شکل الهی مثل عرفان یهودی، مسیحی، اسلامی و نیز به شکل غیر الهی عرفان بودائیسیم و هندوئیسم وجود دارد.^{۱۰} تجربهٔ عرفانی از طریق تمرین‌های روح و روان مثل عبادت، روزه، ریاضت جسمی و مدیتیشن و تمرکز حاصل می‌شود و عرفان الهی اعتقاد دارد که با این تمرین‌ها شما به خدا نزدیک‌تر می‌شوید. در عرفان غیرالهی غیرواقعی بودن خود و حقیقت و یا فاعل و مفعول آشکار می‌شود.

شاخهٔ تصوف اسلامی یکی از زیرگروه‌های عرفان الهی محسوب می‌شود. بهترین مثال‌های تصوف اسلامی در کارهای شاعران ایرانی مثل حافظ و مولوی یافت می‌شود و آثار آن را در نثر محمد غزالی نیز می‌توان دنبال کرد. به اعتقاد نیکلسون، تمام عقیدهٔ تصوف بر این است که با گم شدن خود فردی، خود والا تر پیدا می‌شود.^{۱۱}





آلجر می‌گوید که مثنوی کتاب مرجع عرفان برای تمام مردم است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ویتمن با مطالعه کتاب‌های آلجر تحت تأثیر مولوی قرار گرفته باشد

I don not think Life provides for all and
for Time and Space, but I believe Heavenly
Death provides for all.

۲- کارهای انجام گرفته

الف - قدم‌های نخستین در مقایسه دو شاعر

بسیاری بر این اعتقاد هستند که لرد ویسکنت استرانگفرد در کتاب خودش با نام والٹ ویتمن، نخستین کسی بود که به مطالعه مقایسه‌ای بین اشعار مولوی و ویتمن پرداخت.^{۱۲} دومین کسی که در این زمینه به مطالعه پرداخت، زندگی‌نامه‌نویس دانمارکی به نام فردریک شای برگ، در کتاب والٹ ویتمن اثر خودش، است.^{۱۳} او به مطالعه ایمازهای مشترک در اشعار هر دو شاعر پرداخت. او در نهایت می‌گوید که اشعار والٹ ویتمن نشانگر آن است که او به طور کامل با عرفان و تصوف ایرانی آشنا بوده است.

فلوید استاول دیگر کسی است که بر روی این دو شاعر مطالعه کرده است و گفته است که والٹ ویتمن به طور کامل با شعر ایرانی آشنایی داشته است. او نظریات خود را در کتابش به نام پیش‌نمای برگ‌های چمن اظهار داشته است.^{۱۴} جان دی. یوهانان در کتاب خودش با نام: شعر فارسی در بریتانیا و آمریکا، ۲۰۰۰ سال تاریخ، می‌گوید که والٹ ویتمن به ویژه در اواسط قرن ۱۹ به مطالعه وسیع اشعار عرفانی ایرانی پرداخته است که به شکل‌گیری عقاید او بسیار کمک کرده است.^{۱۵} او به علاوه می‌افزاید که تأثیر عمیق عطار و مولوی را می‌توان در قطعه ۴۸ «ترانه خودم» اثر ویتمن مشاهده کرد که در آنجا می‌گوید: «من خدا را در آینه دیدم».

ب - گروه دوم از محققان

آخرین و جدیدترین محققانی که به صورت آکادمیک مولوی و ویتمن را با یکدیگر مقایسه کرده است، غلام‌محمد فیاض است که فردی افغانی است که در ایالات متحده آمریکا تحصیلات خود را به اتمام رسانده است.^{۱۶} او بیشتر بر نقاط مشترک بین مولوی، و ویتمن و تعالی‌گرایان تأکید کرده است تا این که به بررسی مستقیم تأثیرات مولوی بر ویتمن بپردازد. او در آخر نتیجه می‌گیرد که ویتمن به صورت غیرمستقیم، یعنی از طریق امرسون، عطار و حافظ، از مولوی تأثیر گرفته است.

بهروز احمدزاده بیانی دومین شخصی است که در پایان‌نامه فوق لیسانس خود به بررسی تأثیرات مولوی بر اشعار ویتمن پرداخته است.

او در این مقاله سعی کرده است که به کشف سمبل‌های مشترک در مفاهیمی مثل عشق، شهود، وحدت و تکامل بپردازد. او در آخر می‌گوید که منابع موثقی در این زمینه وجود ندارد که نشان دهد مولوی بر تعالی‌گرایان و به ویژه ویتمن تأثیر گذاشته است.

پ - نسل نو

یکی از راه‌های مهم در مطالعه تطبیقی آثار ادبی متعلق به ملت‌های مختلف، استفاده از ترجمه‌ها در این زمینه است. تعداد زیادی از دانشمندان و محققان غربی از جمله نیکلسون، شاگردش آربری، محقق آلمانی شیمیل و... هستند که بر روی آثار عرفانی اسلامی مطالعه انجام داده‌اند. یوسف نیری، جاناتان استار و شهرام شیوا نسل نوری مترجمان آثار مولوی هستند. در این مقاله سعی کرده‌ایم که از این موارد ترجمه شده برای بررسی آثار دو شاعر استفاده کنیم.

مثنوی معنوی که در این اواخر توسط کلمن بارکس (Coleman Barks) ترجمه شده است، شهرتی خاص کسب کرده است. این ترجمه انگلیسی در بین مردم آمریکا دارای محبوبیتی خاص است. همچنین سیروس پرهام نخستین مترجم ایرانی است که «برگ‌های چمن» ویتمن را به فارسی ترجمه کرده است و ویتمن را به فارسی‌زبانان معرفی کرده است.

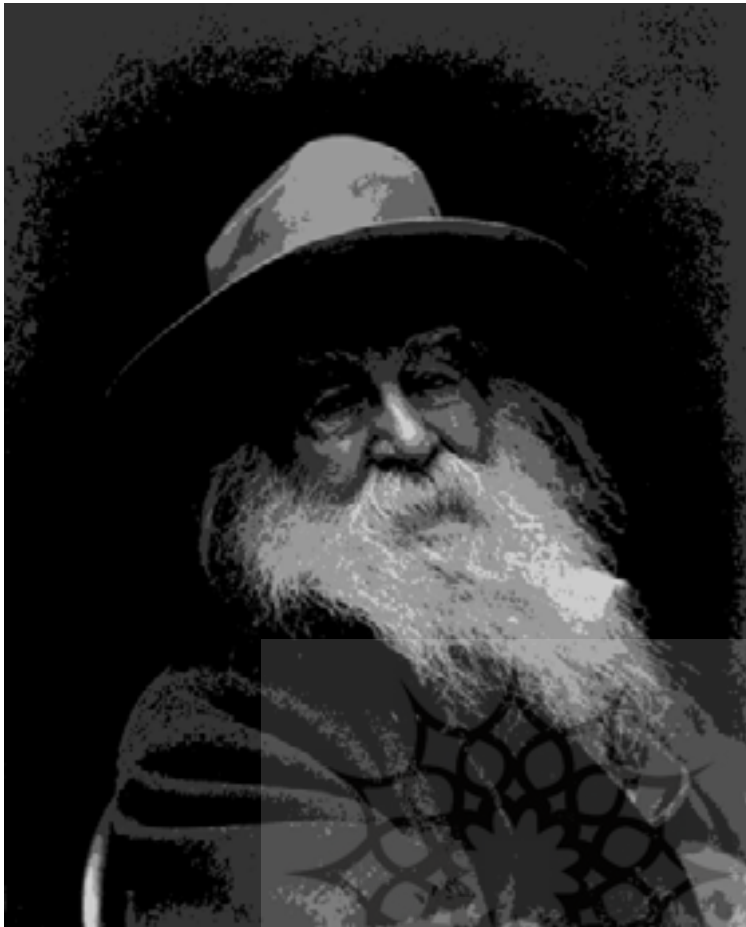
۳- تأثیر مولوی بر ویتمن

بر طبق گفته بسیاری اثبات این مسئله که ویتمن تحت تأثیر مولوی است هنوز امری اثبات شده نیست ولی این که او با اشعار فارسی و عرفانی آشنا بوده، امری روشن و به اثبات رسیده است. آلجر (Alger)، یکی از محققین غربی در کتاب معاصر خودش

به معرفی شعر فارسی و به خصوص عرفان مولوی پرداخته است:

شاعران صوفی بی‌شمارند، اما استاد و سرور همه آنها که شهرتی جهانی دارد، مولانا جلال‌الدین رومی است، بزرگ‌ترین شاعر عارف در کل مشرق زمین. او سروش زاهدان، بلبل آوازه‌خوان متفکران و نگارنده مثنوی است.^{۱۷}

آلجر همچنین می‌گوید که مثنوی کتاب مرجع عرفان برای تمام مردم است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ویتمن با مطالعه کتاب‌های آلجر تحت تأثیر مولوی قرار گرفته باشد. به علاوه فیاض نیز معتقد است که این مسئله ویتمن را به سوی عرفان و تصوف فارسی سوق داده است که او را از دیگر شاعران غربی متمایز ساخته است. ویتمن در یکی از اشعارش به نام «درسی ایرانی»



(A Persian Lesson) همانند یک صوفی به سرائیدن شعرش می‌پردازد و می‌گوید: «الله، الله همه چیز است»

(Allah, Allah is all)^{۱۸}:

For his o'erarching and last lesson the greybeard sufi, In the fresh scent of the morning in the open air,

On the slope of a teeming Persian rose-garden,

Under an ancient chestnut-tree wide spreading its branches, Spoke to the young priests and students.

"Finally my children, to envelop each word, each part of the

rest, Allah is all, all, all – immanent in every life and object,

May-be at many and many-a-more removes-yet Allah, Allah, Allah is there."

"Has the stray wander'd far? Is the reason-why strangely hidden?

Would you sound below ther restless ocean of the entire world?

Would you know the dissatisfaction? the urge and spur of every life;

The something never still'd-never entirely gone? the invisible need of every seed?

"It is the central urge in every atom, (Often unconscious, often evil, down-

fallen,)

To return to its divine source and origin, however distant,

Latent the same in subject and in object,

without one exception." (Leaves of Grass, page: 418)

فایض همچنین بر روی این مسئله مطالعه کرده است که مولوی چگونه به صورت غیرمستقیم، از طریق هگل، بر والت ویتمن تأثیرگذار بوده است، از آنجایی که ویتمن هگل را بزرگ‌ترین معلم انسانیت معرفی می‌کند و او را سزاوار الگوی مناسب برای مردم آمریکا می‌داند و می‌گوید هگل بود که راه را به من نشان داد.^{۱۹}

همچنین فایض، هالمن و شیمل در پی این بوده‌اند که هگل چگونه تحت تأثیر عقاید مولوی بوده است. هالمن در مقاله خودش با نام «جلال‌الدین رومی: شور و شوق ذهن عرفانی» یادآور می‌شود که هگل مولوی را به عنوان بزرگ‌ترین شاعر و مهم‌ترین متفکر در تاریخ جهان مورد ستایش قرار داده است.^{۲۰} همچنین شیمل می‌گوید که هگل از طریق ترجمه آلمانی راکرت (Rucket) با آثار مولوی آشنا شده است.^{۲۱} ویتمن در برخی از توضیحات خودش به ستایش شاعران ایرانی از جمله، حافظ، سعدی و فردوسی پرداخته است که نشانگر آن است که او از طریق کتاب‌های آلجر با اشعار فارسی آشنایی داشته است و فرزانه نیز در اثرش با نام «ویتمن و عرفان: به سوی یک درس ایرانی» به این مسئله اشاره می‌کند که امرسون به عنوان رهبر تعالی‌گرایان تأثیر شگرفی بر افکار ویتمن داشته است و او را



صفت بسیار استفاده کرده‌اند تا تصویری از خدا و خلقت انسان بسازند. بنابراین هنر مولوی و ویتمن در این است که تصویر سنتی خدا را به شکل عرفانی آن تغییر داده‌اند و خدا را به عنوان «معشوق الهی» معرفی کرده‌اند. خدا به عنوان مرجع عشق و محبت در قلب انسان معرفی شده است و جست‌وجوی درون کاری برای پیوستن به خدا معرفی شده است. برای مولوی و ویتمن، همانند یک صوفی، دلیل اصلی وجود در این جهان سفر از دنیای خارج به دنیای درون برای بازگشت به اصل خویش است.

والت ویتمن خدا و انسان را دو موضوع اصلی شعر خودش قرار می‌دهد. او در یکی از اشعار خودش با نامگذاری به «هندوستان» خدا را مرجع اصلی عشق در درون خودش می‌داند:

The mightier center of the true, the good, the loving,

The mortal, spiritual fountain - affection's source - thou reservoir, (Leaves of Grass, page: ۳۲۱)

در بسیاری از مذاهب خدا به عنوان منطقی و تعقل و مرجع آنها معرفی شده است ولی در عرفان خدا مرجع عشق است و همان‌گونه که عارف تجربه می‌کند، عشق طبیعت الهی هر انسان است. بنابراین عرفان جهان و طبیعت جهانی واحد آن را خیلی بهتر از علم و فلسفه می‌تواند نشان دهد.

در بعضی از بخش‌های اشعارشان هر دو شاعر خدا را به دریا به عنوان مظهر اولیه زندگی تشبیه می‌کنند و انسان برای دست یافتن به ابدیت باید در این آب شنا کند. در این جا بد نیست به قسمتی از ترجمه انگلیسی آربری از رباعیات مولوی اشاره کنم:

In Fount of Immortality
In love is found
The Come, and in His boundless sea
Of love be drowned.

همچنین ویتمن می‌گوید:

Bath me O God in thee, mounting to thee,
I and my soul to range in range of thee.

با تعالی‌گرایی آشنا ساخته و این مسئله که امرسون ستایشگر شعر و عرفان ایرانی بوده است به وضوح در مطالعات و افکار او دیده می‌شود.^{۳۲}

در آخر می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که ویتمن به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم با افکار عرفانی و اشعار ایرانی آشنا بوده است و در اشعار خودش نیز از این افکار و عقاید استفاده کرده است.

فصل سوم: خداگونگی در انسان و طبیعت

در این فصل قصد داریم درباره دو موضوع (علی‌رغم فاصله زیاد تاریخی و جغرافیایی بین دو شاعر) «خدا در انسان» و «انسان در خدا» و تشابه این دو مسئله در اشعار مولوی و ویتمن صحبت کنیم.

الف - خدا و انسان

در دو دین بزرگ اسلام و مسیحیت خدا از طریق صفاتی چون بخشنده، مهربان، جبار و... برای انسان معرفی شده است به گونه‌ای که برای او قابل فهم باشد. در قرآن خدا خود را با ۹۹ صفت نام برده است که همگی بیانگر صفات «الله» هستند و او همچنین در قرآن خود را «الظاهر» (برون) و «الباطن» (درون) نام برده است. مولوی و ویتمن نیز در اشعارشان که عرفانی و تعالی‌گرایی است از این دو



والث ویتمن در بخش ۲۴ از شعر «ترانه خودم» به این مطلب یعنی یگانگی خودش با خدا می‌پردازد و خود را الهی و معرف کل جهان خلقت می‌داند:

Walt Whitman, a kosmos, of Man
hatten the son,

...

Divine am I inside and out, and
I make holy whatever I touch or am
touched from,

The scent of these arm-pits aroma
finer than prayer,

This heal more than churches,
bibles, and all the creeds. (Leaves of
Gras, pages: 4849-).

فهم مسئله عشق و برادری در شعر و عرفان ویتمن و مولوی آنها را از دیدگاه متعصب به دین دور نگاه می‌دارد.

بنابراین خداوند در طبیعت و درون انسان از طریق عشق صورت می‌گیرد و شعر آنها برای آشکارسازی این مفهوم عرفانی است.

هیچ مفهومی شاعرانه‌تر و عرفانی‌تر از این که تمام مردان و زنان را عاشق و خداوند را معشوق بنامیم، وجود ندارد.

این نگاه سبب می‌شود که دنیا را پر از صلح و صفا، وحدت، عشق و زیبایی دید.

در بخش‌هایی دیگر هر دو شاعر «خود» (self) را در حال حرکت به جلو و عقب، بین خودآگاه و ناخودآگاه، بین حقیقت و ایده‌آل در زندگی و مرگ در حیات مجدد می‌بینند. بنابراین خود در اشعار مولانا و ویتمن ستایش می‌شود و به عنوان خود جهانی مطرح می‌شود. برای مقایسه عقیده عرفانی دو شاعر در این زمینه می‌توان به شعر «ترانه خودم» اثر ویتمن اشاره کرده که در آنجا بین «من» (I) و «تو» (you) تفاوت قائل می‌شود.

I celebrate myself, and sing myself,
And what I assume you shall assume,
For every atom belonging to me as good
belongs to you.

(Leaves of Grass, page: 29)

مولوی نیز در دفتر اول در ابیات ۱۷۷۶ و ۱۷۷۷ مثنوی معنوی عقیده‌ای مشابه ویتمن دارد:

این من و ما بهر آن برساختی
تا تو با خود نرد خدمت باختی
تا من و توها همه یک جان شوند
عاقبت مستغرق جانان شوند

مولوی همچنین به این مفهوم اعتقاد دارد که یک من یا حقیقت واقعی وجود دارد که خداوند است و غیر از آن من حقیقی دیگری مطرح نمی‌باشد:

آستان و صدر در معنی کجاست
ما و من کو آن طرف کان یار ماست
ای رهیده جان تو از ما و من
ای لطیفه روح اندر مرد و زن
مرد و زن چون یک شود آن یک تویی
چون که یک‌ها محو شد آنک تویی
(مثنوی معنوی، دفتر اول ۱۷۸۴)

دانستن این مطلب جالب به نظر می‌رسد که والث ویتمن خدا را



موضوعها و درون‌مایه‌های بی‌شماری وجود دارد که بین دو شاعر مشابه است ولی به عنوان اصلی‌ترین آنها می‌توان به رابطه‌ی خدا و انسان، خدا و طبیعت و مرگ و جاودانگی اشاره کرد

and in my own face in the glass,

I find letters from God dropt in the street,
and every one is sign'd by God's name,
(Lewes of Grass, page: 76)

هر دو شاعر از تصاویر طبیعی و حقیقی موجود فراتر می‌روند و زبانی سمبولیک مخصوص به خود دارند. آنها تصویری خارق‌العاده را به عنوان سمبل مطرح می‌کنند که همان روح اعظم و یا خداوند است که برای همه جهانیان ثابت و از تصویرهای عادی متفاوت است. دنیای مورد تصویر مولوی و ویتمن دنیای خیالی و اوهم نیست و باید توجه به این مسئله داشت که دنیای مادی برای آنها دنیای وهم و خیال نیست. طبیعت برای آنها به منزله‌ی حجابی است که انسان با نگاه کردن به آن می‌تواند به خدا برسد.

این دو عارف شاعر هیچگاه به دنیا به دید دنیای جدایی و دور افتادگی نظر نمی‌کنند بلکه تنها به وحدت فکر می‌کنند و در نگاه عارفانه آنها این وحدت، «عشق» است. در قسمت ششم از شعر «ترانه‌ی خودم»، کودکی که یک مشت از چمن در دست دارد، از ویتمن می‌پرسد: این چمن چیست؟ در ابتدا او خود سردرگم است که چه جوابی باید بدهد ولی در نهایت از سمبولیسم خود استفاده می‌کند و آن را دنیای نظام‌مند خارج می‌داند که در آن همه با هم برابر هستند و با دموکراسی کامل در کنار همدیگر زندگی را به سر می‌برند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هر دو شاعر خودشان را به هم پیوسته با جهان هستی و به ویژه با این کره خاکی می‌بینند. اکثر قسمت‌های «برگ‌های چمن» ویتمن به ستایش الهی بودن طبیعت به زمین می‌پردازد. برای مثال:

I hear and behold God in every object,...

In the faces of the men and women I see
God,...

(Leaves of Grass, page: 76)

ویتمن همانند مولوی از عناصر طبیعی استفاده می‌کند تا بتواند عقاید خود را آشکار سازد. برای ویتمن طبیعت به منزله‌ی زبان است و عناصر طبیعت به منزله‌ی کلمات هستند و در آن کمال را مشاهده می‌کند:

In the broad earth of ours,

Amid the measureless grass and the slag,

همیشه در دسترس خویش می‌داند، با او مستقیماً صحبت می‌کند و او را برادر بزرگ مورد خطاب قرار می‌دهد و بدین‌گونه خود را، خودی الهی و یگانه شده با خدا می‌داند.

ب - خدا و طبیعت

شعرای عرفانی همانند ویتمن و مولوی، گاهی اوقات مدعی این هستند که طبیعت، انسان و همچنین کل جهان تصاویری از خدا و یا نشانه‌هایی از وحدت الهی خداوند هستند، آنها انسان و طبیعت را به عنوان تصاویری متفاوت از وحدتی خداگونه می‌بینند. این مفهوم در مکاتب مختلف در دنیا قابل مشاهده است. برای مثال در مکتب هندوئیسم این یگانگی الهی تحت عنوان «برهما»، در تصوف «الحق» و در تعالی‌گرایی عنوان «روح‌الارواح» یا «حقیقت مطلق» (Over-soul) مطرح است.

در شعر «یک درس ایرانی» صوفی ریش سفید آخرین درس خودش را به دانش‌آموزان و طلاب جوان خودش به این‌گونه می‌دهد که می‌گوید: «الله (خدا) همه چیز است»:

Finally my children, to envelop each
word, each part of the rest,

Allah is all, all, all – is immanent in every
life and object,

May-be at many and many-a-more re-
moves-yet Allah, Allah, Allah is there.

It is the central urge in every atom,
(Leaves of Grass, page: 419)

ابیات بالا یادآور مفهوم وحدت در مثنوی معنوی است. فیاض یادآور می‌شود که اینها صدای ویتمن صوفی در سن ۶۹ سالگی یعنی ۳ سال قبل از زمان مرگش است.^{۳۳} این ابیات بیانگر این موضوع است که خداوند در همه جا حاضر است و در تک‌تک ذرات وجود انسان و طبیعت قرار دارد. البته ناگفته نماند که عارفان و تعالی‌گرایان هر دو به این مسئله اعتقاد دارند که برای باور به این موضوع باید بینش خاص آن را پیدا کرد و این بینش که شما خدا را همه جا حاضر بباید، با بینش عادی کاملاً متفاوت است و همان‌طور که قبلاً گفته شد این بینش از راه ذکر، عبادت، ریاضت و تمرین‌های خاص جسمی و روحی صورت می‌گیرد. والت ویتمن خدا را در همه چیز و همه کس می‌بیند:

In the faces of men and women I see God,

این دو عارف شاعر هیچگاه به دنیا به دید دنیای جدایی و دور افتادگی نظر نمی‌کنند بلکه تنها به وحدت فکر می‌کنند و در نگاه عارفانه آنها این وحدت، «عشق» است. هر دو شاعر خودشان را به هم پیوسته با جهان هستی و به ویژه با این کره خاکی می‌بینند

Enclosed and safe within its central heart,
Nestles the see perfection.²⁴

برای مولوی و ویتمن جهان مادی تنها نشانه‌ای برای وجود خدا نیستند، بلکه این عارف است که با نگاه به این اشیا مادی آنها را به صورت معنوی تصویرسازی می‌کند تا به خدای خویش پی برد زیرا این اشیا مادی به منزله حجابی هستند که مانع دیدن خدا به شکل جسمانی می‌شوند، بلکه از طریق آنها باید به حضور معنوی خدا پی برد. به عبارتی دیگر خدا این طبیعت و اجزای آن را خلق کرده که انسان را به سوی جهان معنوی سوق دهد.

ت - نتیجه گیری

این مقاله بیشتر تلاشی بود برای آشکارسازی شباهت‌های موجود بین اشعار مولوی و والت ویتمن آمریکایی، تا این که به تأثیرات شعر مولوی بر روی اشعار والت ویتمن بپردازد. بعضی از مفسرین به تأثیر مولوی بر روی ویتمن اعتقاد دارند و برخی دیگر بر این اعتقاد هستند که این مسئله امری اثبات نشده است ولی با توضیحاتی که در قسمت آخر فصل دوم این مقاله آورده شد، مشخص شد که ویتمن با شعر و عرفان ایرانی آشنایی داشته است، این مسئله در شعر «یک درس ایرانی» (A Persian Lesson) به وضوح قابل پیگیری بود.

موضوع‌ها و درون‌مایه‌های بی‌شماری وجود دارد که بین دو شاعر مشابه است ولی به عنوان اصلی‌ترین آنها می‌توان به رابطه خدا و انسان، خدا و طبیعت و مرگ و جاودانگی اشاره کرد. خدا به عنوان مرجع اصلی عشق، تنها تصویر کامل از وحدت مطلق است. در آنجایی که گفته شد هیچ چیز زیباتر و عرفانی‌تر از این نیست که مولوی گفته، تمام مردان و زنان عاشق و خدا معشوقه محبوب است. همچنین گفته شد که خدا مرجع اصلی عشق و محبت در درون قلب‌های انسان‌هاست و کار اصلی انسان نیز این است که از دنیای بیرون به دنیای درون سفر کنند. هر دو شاعر طبیعت و عناصر آن را به عنوان نشانه‌هایی که بیانگر حضور معنوی خداست، در نظر می‌گرفتند.

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که هر دو شاعر عارف دنیای مادی و معنوی را در یک شکل واحد در نظر می‌گیرند. آنها همچنین به خوبی و با برکت بودن طبیعت و ذات بشر اعتقاد راسخ دارند. آنها همچنین برخلاف عرفان هندوئیسم به این مسئله که دنیای مادی، دنیای توهمات است اعتقادی ندارند و اعتقاد آنها بر این است که حقیقت واقعی و معنوی در پس این دنیای مادی و طبیعت است.

مولوی و ویتمن مرگ را به منزله پایان زندگی نمی‌دانند، بلکه آن را وسیله‌ای برای نزدیک شدن به هدف نهایی خود می‌دانند. هر دو شاعر برای بیان عقاید خود از زبانی سمبولیک استفاده می‌کنند، زیرا راهی دیگر برای بیان تفکرات عرفانی وجود ندارد. در آخر امیدواریم این مقاله راه‌های تازه‌ای برای تشابه ادبیات ایران و آمریکا را صرف‌نظر از تفاوت‌های جغرافیایی و تاریخی فراهم آورد.

پی‌نوشت:

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی

۱. ا. جی. آربری، مقالات شرقی، لندن: ۱۹۶۰، صفحه ۲۴۲.
۲. ایید (Ibid)، صفحه ۴۳۴.
۳. ویلیام سی. چیتیک، رومی و وحدت‌الوجود، انتشارات دانشگاه کمبریج، ۱۹۹۴، صفحه ۹۲.
۴. به معنی: خورشید دین.
۵. تمامی تکنیک‌های عرفانی را در اشعار بلند، حکایت، داستان‌ها و ضرب‌المثل‌ها آورده است.
۶. عبدالحسین زرین‌کوب، نردبان آسمان است این کلام، همشهری، ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۱، صفحه ۶.

7. Charles Mayo Ellis. An Essay on Transcendentalism. (Boston Publisher, 1842. Printed in The American Transcendentalist. Ed by Pery Miller, 1957), page: 23.

8. Walker Marshall. The Literatwce of the United States of America. (Hong Kong Mc Millan, 1983) page: 57.

9. Charles Mayo Ellis, An Essay on Transcendentalism. page: 27.

10. The Cambridge Dictionary of Philosophy, page: 515.

11. Nicholson, Mystics of Islam, 1966, page: 59.

12. Fayeze, G.M. May 1979, page: 8.

13. Fredrik Shyberg, Walt Whitman. (tran. From Danish by Evic Allison Allen with an introduction by Gay Willson Allen, New York: Columbia UP, 1951), page: 248.

14. Floyd Storall. The Foreground of 'Leaves of





- 1955.
5. ---. The New Walt Whitman Handbook. Chicago: Packard and Co, 1946.
6. ---. Walt Whitman. Microsoft Encarta 98 Encyclopedia on CD-ROM. N.p. : Microsoft Corporation, 1998. <http://www.encarta.ent.msn.com/>
7. Arasteh, A.Reza. Rumi the Persian: Rebirth in Creativity and Love. With Preface by Erich Fromm-Lahore: Sh. Muhammad Ashraf Kashmiri, 1963.
8. Arberry, Arthur. Discourses of Rumi. London: John Murray, 1961.
9. ---. Oriental Essays. London: 1960. Discourses of Rumi.
10. ---. Classical Persian Literature. New York: The McMillan Company, 1954.
11. ---. Ed. and trans. The Rubaiyat of Omar Khayam and the other Persian Poems, p. 43.
12. ---. More Tales from the Masnawi, London: Allen and Unwin, 1963.
13. Burckhardt, Titus. An Introduction to Sufism. Trans. D.M. Matheson, England: Crucible, 1990.
14. The Cambridge Dictionary of Philosophy. Cambridge: CPU, 1990.
15. Chittick, William C. The Sufi Doctrine of Rumi: An Introduction. Tehran: Daneshgah-e Sanati-ye Aryamehr, 1974.
16. ---. Rumi and Wahdat al-Wujud. In The Heritage of Rumi. Ed. Banani and G. Sabagh, Cambridge: Cambridge University Press, 1994.
17. Clinton, Jerome W. Rumi in America. A Review of The Essential Rumi by Coleman Barks. Edebyat; A Journal of Near Eastern and Comparative Literature N.S. vol.9.No.2 (Fall 1999) www.princeton.edu/~jwc/rumibarks.html
18. Ellis, Charls Moyo. An Essay on Transcendentalism. Boston Publisher, 1842. Printed in The American Transcendentalist. Ed by Pery Miller, 1957.
19. Emerson, Ralph Waldo. Ralph Waldo Emerson, An Organic Anthology. Ed. Stephen Whicher. Boston: Houghton Mifflin Company, 1960.
20. Farzan, Massud. Whitman and Sufism: Towards 'A Persian Lesson'. American Literature. 49 (Jan 1976): 572-87.
21. Fayeze, Ghulam M. Images of Divine in Rumi and Grass'. (Charlottesville Virginia: IP of Virginia, 1974), pages: 168-169.
15. J. D. Yohannan. Persian Poetry in England and America: A 200 Years History. Persian Studies Series. Ed. Ehsan Yarshatar, No. 4 New York: Caravan Books, 1977.
16. G. M. Fayeze, Mystic Ideas and Images in Jalal al-Din Rumi and Walt Whitman. Ph.D. Dissertation, University of Arizona, 1978. [DA I, 39 (May 1979), 6749 !.]
17. W.R. Alger. Introduction to Oriental Poetry-page: 66.
18. Ibid, page: 15.
19. Whitman, Walt. Complete Writings of Whitman, pages: 7071..
20. Halman, Talat S. Jala al-Din Rumi: Passions of the Mystic Mind. (Persia Literature ed. By Ehsan Yarshater. Columbia Lectures on Iranian Studies 3. The Persia Heritage Foundation, 1998), page: 191.
21. Schimmel, A. Mystical Dimension of Islam. (North Carolina: University of North Carolina, 1975), page: 310.
22. Massud Farzan. Whitman and Sufism: Towards "A Persian Lesson", page: 57
23. Fayeze, 1980.
24. Whitman, Walt. Complete Poetry and Selected Prose. (ed. Justin Kaplan, New York: Library of America, 1982), page: 166.

منابع و مأخذ

1. Ahmad-zadeh Bayani, Behrouz. A New Concept of Mysticism in Walt Whitman's Poems. MA thesis, Tehran: Islamic Azad University, Graduate School, 1998.
2. Alger, W. R. An Introduction to Oriental Poetry.
3. Allen, Gay Wilson, and Charles T. Davis. ed. Walt Whitman's Poems: Selections with Critical Aids. New York: New York University Press, 1955.
4. Allen, Gay Wilson. The Solitary Singer: A Critical Biography of Walt Whitman. New York: McMillan Co,



- York: Schocken Books, 1975.
40. ---. The Mathnawi of Jalal-ad-din Rumi, ed. and trans. with commentary, 8 vol. London: Luzac&co, 1925-40.
41. ---. Selected Poems from Divan. Trans. Cambridge: CUP, 1989.
42. ---. Rumi, Poet and Mystic. London: Routledge and Kegan Paul Ltd, 1966.
43. Pearce, Roy Harvey. A Collection of Critical Essays. New Jersey: Prentice-Hall. Inc, 1962.
44. Rajasekharaiah, T.R. The Roots of Whitman's Grass. New York: Fairleigh UP, 1970.
45. Robyn, Young V.ed. Poetry Criticism. London: Gale Research Inc. Detroit, 1991, Vol 3.
46. Rumi, M.J.M. Teachings of Rumi; the Mathnawi of Maulana Jalalu-Din Muhammad I Rumi. Trans and abridged by E.H.Whinfield. New York: E.P. Dutton, 1975.
47. Schimmel, Annemarie. The Triumphal Sun: A Study of the Works of the Jalaloddin Rumi. London: Fine Books, 1978.
48. ---. Mawlana Rumi: yesterday, today, and tomorrow. Ed. Banani and G. Sabagh, Cambridge: Cambridge University Press, 1994.
49. ---. A. Mystical Dimension of Islam. North Carolina: University of North Carolina Press, 1975.
50. ---. Jalal al-Din Mohammed Rumi. Microsoft Encarta 98 Encyclopedia on CD-ROM, 1988.
51. Schyberg, Frederik. Walt Whitman. tran. Eric Allison Allen & Gay Wilson Allen. New York: Columbia University Press, 1951.
52. Stovall, Floyd. The Foreground of 'Leaves of Grass' Charlottesville Virginia: UP of Virginia, 1974.
53. Strangford, Lord Vinsent. Walt Whitman. Feb 16, 1866.
54. Whitman, Walt. Leaves of Grass. Oxford: OUP, 1990.
55. Whitman, Walt. The Portable Walt Whitman. Oxford: OUP, 1969.
56. Whitman, Walt. Complete Poetry and Selected Prose, ed. Justin Kaplan, New York: Library of America, 1982, p. 166.
57. Yohannan, John D. Persian Poetry in England and America: A 200 Years History. Persian Studies Series. Ed. Ehsan Yarshater, no.4. New York: Caravan Books, 1977.
- Whitman. Comparative Literature Studies, 17 (march 1980): 33-43.
22. ---. Motion Imagery in Rumi and Whitman. Walt Whitman Review. 25 (June 1979): 39-51.
23. ---. Mystical Ideas and Images in Jalal al-Din Rumi and Walt Whitman. Microfiche. Diss. University of Arizona, 1978. Ann Arbor, Mi.: University Microfilms International, 1979.
24. Guerin, Wilfred L., et al. A Handbook of Critical Approaches to Literature, p. 197.
25. Goring, Rosemary. Dictionary of Beliefs and Religions: The Wordsworth Reference Series. UK: Wordsworth Editions Ltd., 1995.
27. Halman, Talat S. "Jalal al-Din Rumi: Passions of the Mystic Mind," in Persian Literature, ed. by Ehsan Yarshater. Columbia Lectures on Iranian Studies 3. The Persian Heritage Foundation, 1988.
28. Harrison, Paul. Varieties of Pantheism. October 21, 1966. <http://members.aol.com/Heraklit1/variety1.htm#definition>
29. Hindus, Milton. Walt Whitman the Critical Heritage. London: Routledge and Kegan Paul, 1971.
30. Keenan, Randall. Walt Whitman's Leaves of Grass. USA: Monarch Press, 1965.
31. Loving, Jerome. Introduction. Leaves of Grass. By Walt Whitman. Oxford: OUP, 1990.vii-xxii.
32. Loy, David. Lack and Transcendence. First ed. New Jersey: Humanities Press, 1996.
33. Marshal, Walker. The Literature of the United States of America. Hong Kong: McMillan, 1983.
34. Miller, James Edwin. Start with Sun .USA: University of Nebraska Press, 1996.
35. ---. Walt Whitman. New York: Twayne Publisher, 1962.
36. Miller Jr, James Ed. A Critical Guide to "Leaves of Grass". 1957.
37. Moulawi, Jalaloddin, Mohammad.M. A Garden Beyond Paradise: The Mystical Poetry of Rumi; Janathan Star and Shahram Shiva, Eds. New York: Bautam Books, 1992.
38. Nasr, Seyyed Hossein. Sufi Essays. Albany: State University of New York Press, 1991.
39. Nicholson, Reynold A. The Mystics of Islam, New